



کتاب «همت پنج، به گوشم» توسط محمد قاسمی پور نقد شد

نویسنده از عهده قاب بندی واقعیت برآمده است

نشست نقد و بررسی کتاب «همت پنج، به گوشم» از مجموعه آثار نشر ۲۷ بعثت با حضور سمیرا خطیب زاده نویسنده در سرای اهل قلم خانه کتاب و ادبیات ایران برگزار شد. نقد این اثر در نشست یادشده برعهده محمد قاسمی پور بود. این کتاب شامل روایت هایی از زندگی شهید اصغر فلاح پیشه است که از رزمندگان لشکر محمد رسول... (ص) بود و در جنگ عراق و ایران حضور داشت بعدها نیز در جنگ سوریه با تخصص در حوزه مخابراتی حضور پیدا کرد و در منطقه اطراف شهر حلب در سال ۹۴ به شهادت رسید.

نویسنده از عهده تکنیک قاب بندی واقعیت برآمده است

محمد قاسمی پور به عنوان منتقد اثر با بیان این که نویسنده در این کتاب منصف بوده است، گفت: توصیه می کنم خوانندگان کتاب بخش مرگ مادر شوهر و مادر همسر شهید فلاح پیشه را بخوانند تا متوجه شوند نویسنده از پس قاب بندی واقعیت برآمده است.

وی با طرح سؤالاتی از نویسنده کتاب مبنی بر این که آیا محله فلاح و قبر برادر شهید فلاح پیشه را از نزدیک دیده است یا خیر، ضمن پاسخ های منفی نویسنده اثر، با این واکنش خطیب زاده مواجه شد؛ وقتی شهید از محله فلاح به میدان امام حسن مجتبی (ع) و خانه های سازمانی آمدند، من هم به مدت ۱۲ سال در همان خانه های سازمانی ساکن بودم و این محله و خانه هایش را می شناختم. محله فلاح را نمی شناختم و با توجه به روایت هایی که به دستم رسید، در کتاب کار کردم.

محمد قاسمی پور گفت: در کارهایی که روی جلد آن موضوع روایت زندگی درج می شوند، با خاطره و موضوعاتی که زندگی را دنبال می کنند، مواجه هستیم. مرحله انتخاب زاویه دید و راوی، کار مهمی است و نویسندگان در این خصوص باید تمرین کنند و اتود بزنند.

اهمیت توجه به مخاطبان عام در زندگینامه ها

وی با اشاره به این که در این کارها فقط کار خودمان و مشاور مهم نیست، افزود: در چنین کارهایی توجه به مخاطبان عام مهم است. مخاطب عام در چنین کارهایی وقتی کتاب را در دست می گیرد باید از زاویه دید لذت ببرد و احساس همراه شدن و همدات پنداری پیدا کند؛ نقد من به کتاب این است که به لحاظ حسی و عاطفی بین فصل های زوج و فرد پیوند جدی برقرار نیست. این فصل ها همچون دو دسته ساز با نواهای مختلف است.

نوا ساز همسر شهید کوک تر است و خواننده به دنبال کردن آن مشتاق می شود اما در کل کتاب باید توازن و تعادل رعایت حسی انجام می شد. (قاسمی پور به حاضران توصیه کرد حداقل یک بار فقط فصل های فرد کتاب را پشت سر هم بخوانند.)

این منتقد سپس گفت: مرحله تحقیق و پژوهش باید توسط کسی انجام شود که می خواهد کتاب را کار کند. احساس می کنم بخشی از پرسیدن ها در مرحله تشکیل پرونده - برای نگارش کتاب - به درستی انجام نشده است.

نویسنده زندگینامه در ذات باید محقق باشد

قاسمی پور تاکید کرد: کسی که وارد کار زندگینامه می شود باید در ذات خودش محقق باشد. باید احوالات و زندگی و شرایط اجتماعی سوژه را دنبال کند؛ باید دقت کنیم که در این کارها مصاحبه های زندگی محور بگیریم و زندگی را به صورت جامع مطرح کنیم. باید دقت کنیم آدم ها روزها را روایت کنند، وقتی در مصاحبه افراد - وقایع را - گزارش می کنند نمی توان معجزه کرد و از آن روایت و خاطره جذابی بیرون کشید. در این کتاب رد گزارش ها در فصل های زوج بیشتر است و در بعضی فصول فرد هم قابل مشاهده است. وی افزود: در فصل های فرد کتاب با آدمی مواجه هستیم که صادق است و از مسیر زندگی خودش راضی است و به پایگاه اجتماعی اش پشت نکرد. این صداقت و همراهی همسر شهید، همراهی خواننده را در پی دارد.

این منتقد درباره لقب «زمزم» که شهید فلاح پیشه به همسرش داده بود نیز طرح سؤال کرد و بی جواب ماندن آن را در کتاب قابل نقد دانست.

چند نقد منتقد به کتاب

یکی دیگر از نقدهای قاسمی پور حضور کمرنگ عموی شهید در خانواده است،

این که چرا خاطره و تصویری از او در کتاب نیست و در بخش دیگری خطاب به نویسنده گفت: با وجود محدودیت ها در پرداختن به عشق جسمانی در کتاب ها، می توانستید از ظرفیت های عشق بیشتر استفاده کنید و پیوندهای عاطفی شهید و همسرش را نیز می شد بیشتر مطرح کرد.

وی افزود: یک بخش هایی از کتاب قابلیت ادامه دار شدن، دارد. به عنوان مثال این که شهید به غیر از عزای امام حسین (ع) نسبت به رنگ مشکی بی باور بود و همسرش در زمان خبر شهادت به فرزندانش اجازه پوشیدن لباس مشکی نداد. همچنین مراسم تولد شهید که هر سال فرزندان در روز ۱۲ یا ۱۳ بهمن (روایت درباره تاریخ دقیق تولد اصغر فلاح پیشه موجود نیست) مراسم برگزار و برای پدرشان کادو تهیه می کنند و سرنوشت این کادوها قابل دنبال کردن بود. در بخش دیگری، وی افزود: همیشه باید به خواننده فرصت و میدان کشف داده و اجازه بدهیم که او جلوتر برود و حدس هایی بزند و بعد ببیند حدسش درست بوده است یا خیر؛ از این جهت متن کتاب جای کار دارد. در فصل های زوج مشخص است که دانای کل محدود است. پیشنهاد می کنم برای چنین کارهایی یک سری فصل ها مربوط به راوی اصلی باشد و پنج راوی هم کنار راوی اصلی باشند و فصل هایی به آنها اختصاص پیدا کند.

وی بیان تاریخ جنگ سوریه در کتاب را غیر ضروری دانست و گفت: از همان جایی که لشکر ۲۷ تصمیم می گیرد نیرو به سوریه اعزام کند، می توانست نقطه شروع روایت نویسنده کتاب باشد؛ نویسنده کتاب در زمینه حوزه مخابرات نیز نیازمند یک مصاحبه تخصصی بوده است.



از نگاه نویسنده

اسیر قاب بندی خاص نشدم



سمیرا خطیب زاده
نویسنده

قبل از نگارش این کتاب دواثر با عنوان «قصه شهرزاد» و «سرسپرد» داشتم و علاقه مند بودم که در حوزه شهدای مدافع حرم کار کنم. آقای کلاته به عنوان مشاور تالیف، پرونده شهید فلاح پیشه را در اختیارم گذاشت

و گفت که این شخصیت هم در جنگ تحمیلی حضور داشت، هم جانباز جنگی بود و بعد بازنشستگی از سپاه پاسداران، زمانی که موضوع سوریه مطرح شد اعلام علاقه مندی کرد که به آنجا اعزام شود.

در این کتاب سوژه ای داشتیم که هم در دوران دفاع مقدس حضور پیدا کرده بود و با وجود سن کم او (متولد سال ۱۳۴۵) در سال ۶۳ وارد جنگ شد؛ هم زندگی پر بار و پرفراز و نشیبی را طی کرد و پرونده ای از این شخصیت در اختیارم قرار گرفت.

در این کتاب مصاحبه هایی را با فرزندان، خانواده و هم زمان شهید و نیز سردار بهشتی، فرمانده شهید داشتم و با دوستانی از شهید که در سوریه همراهش بودند. وقتی شروع به خواندن پرونده اولیه زندگی وی کردم چهار الی پنج ماه طول کشید و واقعا زمان برد.

بعد از پیشنهاد نگارش کتاب، ایده ای بابت سبک نگارش کتاب به ذهنم رسید. به واسطه تخصصی که در حوزه رسانه دارم و نیز آشنایی ام با مجموعه شهدا به روایت همسران شان که روایت فتح منتشر کرده است، خواستم در نگارش این کتاب از تکنیک قاب بندی واقعیت استفاده کنم. در کتاب های مربوط به روایت همسر شهید فقط یک قاب از شهید می بندند، این ویژگی را در بسیاری از آثار مربوط به شهدا نیز می بینیم. حتی اگر کتاب دیگری به روایت اشخاص دیگر نوشته شود، ملاحظه می شود که از شهید گاهی دو شخصیت متفاوت و حتی متضاد دیده می شود؛ در صحبت با آقای کلاته به این موضوع اشاره کردم و گفتند این موضوعی است که درباره خیلی از کتاب ها وجود دارد. برای همین سعی کردم در نگارش این کتاب اسیر قاب بندی خاصی نشوم و بتوانم از چند جهت به زندگی شهید نگاه کنم.

شهید و همسرش در یک محله زندگی می کردند و هنوز هم بیکر وی از سوریه بازنگشته است. با این که روایت همسر شهید فلاح پیشه به تنهایی ارزش کتاب شدن را داشت اما احساس کردم اگر این طور بنویسم، کار کاستی هایی خواهد داشت. کتاب دارای ۲۳ فصل است که فصل های فرد آن مربوط به روایت همسر شهید است و فصل های زوج به صورت دانای کل نوشته شده و مربوط به همه موارد زندگی شهید است که غیر خانوادگی تلقی می شود؛ شامل دفاع مقدس، عملیات ها، سیم بانی و تجربه های خوبی که در عملیات ها داشته است. همچنین مسئولیت هایی که در لشکر ۲۷ به ایشان سپرده می شود و از دید هم زمانش پرداخته شده اند. بعد از جنگ و پذیرش قطعنامه خیلی ها به زندگی و روال عادی بازگشتند اما شهید فلاح پیشه زندگی جهادی را دنبال کرد. نقطه شروع کتاب مربوط به خاطره مشترک همسر شهید و دختر شهید می شود که هر دو موقع ازدواج، پدرشان را تازه از دست داده بودند و موقع عقد خاطرات پدرشان را مرور می کردند. در پایان کتاب هم به دلتنگی های همسر شهید سر مزار نمادین پرداخته شده است.